

سیاست جنایی مشارکتی پلیس در کنترل جرایم ثبتی

شیرزاد امیری^۱، حجت اله یوسفی راد^۲، زینب محمدی^۳، معصومه رضایی کیا^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

زمینه و هدف: اعمال سیاست جنایی مشارکتی پلیس در کنترل جرایم ثبتی، نه تنها نیازمند تغییر کارکرد سنتی آن، از نهاد واکنش محور و قانون مدار صرف به پلیس جامعه محور و تحلیل گر بوده، بلکه نیازمند تعامل و دسترسی پلیس به بانک اطلاعاتی تمامی سازمان های مرتبط با موضوع مقاله و امکان تحلیل و تبادل اطلاعات منسجم با سازمان های مردم نهاد به منظور تقویت مشارکت تعاملی با مرکزیت پلیس و افزایش فرهنگ جرم گریزی در جامعه می باشد.

روش شناسی: روش پژوهش بصورت مطالعه کتابخانه ای و توصیفی بوده و مطابق مطالعات صورت گرفته با آمارهای رسمی مراجع قضایی سال های ۸۰ الی ۹۷ می باشد. یافته ها: نتایج آمار رسمی مراجع قضایی و آسیب شناسی علمی انجام شده توسط معاونت آموزش قوه قضائیه نشان داد به علت فقدان مرکزیت پلیس در دسترسی به بانک اطلاعاتی سازمان های مرتبط با موضوع تحقیق علی رغم تعامل و اعمال سیاست مشارکتی پلیس با سازمان های مردم نهاد، موجب قرار گرفتن جایگاه پلیس تحلیل گر در آخرین مراحل تکوین جرم گردیده است.

نتیجه گیری: جهت بالا رفتن ضریب اعتماد مردم به سازمان انتظامی به عنوان نهاد اجرایی در کشور تقویت ارتباط تعاملی مشارکتی پلیس با سازمان های مردم نهاد و دسترسی مستقیم به بانک اطلاعاتی، کدهای جانمایی املاک و کدهای تشخیص هویت اشخاص به منظور نظارت با مرکزیت پلیس ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: پلیس تحلیل گر، سیاست جنایی مشارکتی، پلیس تعامل گرا، کدهای مراقبتی، پلیس مشارکت گرا

^۱ مربی، دکتری تخصصی حقوق، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب (نویسنده مسئول)

shirzadamiri@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

^۴ دانشجوی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه دورود

مقدمه

این موضوع همواره ذهن محقق را به خود مشغول داشته که چرا علی‌رغم قدمت و اهمیت مسائل ثبتی (معین، ۱۳۸۴، ص ۵۰۲) در کشور متاسفانه قانونگذار صرفاً در سال ۱۳۰۶ اقدام به وضع قانون ثبت عمومی در ۹ ماده و در سال ۱۳۲۰ اقدام به وضع قانون ثبت اسناد و املاک در ۱۲۶ ماده (آدابی، ۱۳۸۸، ص ۱۹) به انضمام اصلاحات و ضامم بعدی نموده است. این فاقد پویایی (محمدی، جلیل، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴ الی ۲۷۸) در حالی است که مسائل مربوط به حقوق ثبت از درجه اعتبار بالایی با امعان نظر به مسائل مالی و حقوقی برخوردار می‌باشد، به طوری که معمولاً مجموع دارایی مثبت هر فرد فعال در جامعه از یک باب منزل مسکونی فراتر نخواهد رفت. املاک از مهم‌ترین دارایی‌های اقتصادی هر جامعه محسوب می‌شود که ورود آن به گونه‌ای مطمئن به چرخه اقتصادی در توسعه کشور تاثیر بسزایی دارد (حصاری، ۱۳۹۵: ۱). با وجود این اهمیت تعریف درستی از سند در نصوص قانونی ارائه نشده این میزان سرمایه عموماً می‌تواند عامل تحریک کننده‌ی مهمی نسبت به کلاهبرداران و جاعلان ثبتی بوده حال آنکه جامعه‌ی ما که از یک سیستم ثبتی جهت ثبت اسناد (لسان، ۱۳۸۴: ص ۸۸) خصوصاً ثبت سنتی برخوردار است و از این موضوع رنج می‌برد. به عنوان مثال می‌توان به جعل سند عرصه و اعیان و سند‌های دوقلو و معاملات معارض اشاره نمود. جای تاسف است در این مثال که اگر ما بخواهیم یک وسیله‌ی نقلیه موتوری زمینی را به هر کیفیت خریداری نمائیم، می‌توانیم با مراجعه به یکی از دفاتر پیشخوان دولتی، نقل و انتقال ملکی و خلافی آن را به انضمام شماره‌ی شاسی و بدنه را دریافت نمائیم. اما در زمانی که فردی قصد خرید ملک غیر منقولی را داشته باشد اعم از عرصه، اعیان و حق سرقفلی و کسب و پیشه و یا تعیین مشخصات و مسئولیت شخص یا شرکت سازنده سازه، آسانسور، اطفاء حریق، برق و غیره، در مشاور املاک به هیچ عنوان نمی‌توان به آخرین وضعیت ثبتی یا گردش ثبتی و حتی بدهی‌های رهنی، عینی، دینی، حدود اربعه و غیره مورد تعهد مالک یا ثالث و حتی بدهی مصرفی، دست یافت، چه رسد به مسئولیت سازنده بنا و سازه! که این مسائل نه تنها موجب سلب اعتماد مردم نسبت به اسناد و نوشته‌ها می‌گردد بلکه مخل آسایش عمومی مردم (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ص ۵۷۸) و ورود ضرر های مالی و غیر مالی دیگر نیز می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴). ویژگی‌های خاص

مسائل حقوق ثبت مبنی بر وجود قوانین شکلی و ماهوی پیچیده و همچنین گستردگی و تنوع در حیطه بروکراسی و عملیاتی سازمان ثبت اسناد و املاک (درویش نیا، ۱۳۸۰، ص ۲) و نحوه ارتباط این سازمان با سازمان‌ها و ادارات مختلف اعم از؛ شهرداری‌ها، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، امور اراضی و غیره به شکل سنتی و مکاتبه‌ای بدون امکان نظارت دستگاه انتظامی به عنوان اهرم اجرایی و مرکزیت اطلاعاتی نظارتی موجب حلول فقر اطلاعاتی شدید و در نتیجه افزایش آمار جرایم مرتبط با فعالیت سازمان ثبت و اسناد املاک به نقل از آمارهای رسمی ارائه شده توسط مراجع ذیصلاح (سازمان زندانها و دادگستری کل کشور) اعلام گردیده است. حقوق ثبت دارای تنوع و ابعاد گوناگون و تاثیرگذار در تمام شئون جامعه است. نقش آن در ارتباط با عامه مردم به لحاظ ثبت تعهدات و معاملات، ازدواج و طلاق و تعامل آن با گروه خاص، دانشمند و متخصص در حمایت از مالکیت صنعتی از طریق ثبت اختراعات و علائم تجاری، کاملاً محسوس است. قلمرو فعالیت حقوق ثبت محدود به داخل کشور نمی‌شود. بلکه حوزه عملکرد آن با عضویت در کنوانسیون معروف پاریس و سازمان جهانی حمایت از مالکیت معنوی^۱ و استملاک توسط اتباع بیگانه، به خارج از کشور نیز گسترش یافته است که تامل و تدقیق بیش از پیش در این موضوع را می‌طلبد. هر چند حقوق ثبت قدمت تاریخی دارد و با تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، قوانین آن نیز در طول زمان تغییر یافته است ولی به ناچار به منظور تهیه نقشه‌های کاداستر با تکنیک نوین در اجرای قانون و ارائه‌ی خدمات مناسب و همگام با تحولات جامعه از تکنولوژی روز استفاده می‌نماید، ولی آنچه که مسلم است افزایش آمار پرونده‌های مطروحه در محاکم دادگستری در ارتباط با مسائل ثبتی به نقل از آمار رسمی فوق الذکر می‌باشد که حکایت از عدم درک صحیح قانونگذار از مسائل ثبتی و عدم تنقیح و تدوین سیاست جنایی مناسب بوده که موجب رشد روزافزون پدیده‌های مجرمانه مالی و ثبتی در دوره معاصر همراه با ظهور اشکال نوین و تنوع بزه و بزهکاری، عدم موفقیت نظام عدالت کیفری رسمی با به کارگیری ضمانت اجراهای کیفری و اقدامات نیروی انتظامی به عنوان بازوی اجرایی در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران را به دنبال داشته، هرچند که این موضوع، سیاستگذاران جنایی داخلی را بر

۱. wipo

لزوم افزایش و تقویت برنامه‌های سیاست جنایی بر پایه‌ی مشارکت هرچه بیشتر و فعال‌تر جامعه مدنی در فرآیند کیفری در ارتباط با نیروی انتظامی ترغیب نموده است. سازمان‌های مردم نهاد به عنوان سازمان‌های غیر دولتی و مردمی به جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از بطن جامعه اطلاق می‌گردد که با فعالیت‌های غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت تدوین کرده‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همسو با اندیشه‌های نوین سیاست کیفری مشارکتی و افزایش نوعی داوری (تفکریان، ۱۳۹۴، ص ۱۳)، مداخله سازمان‌های مردم نهاد را در جهت حمایت از بزه دیده‌گان آسیب پذیر (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۸)، حقوق شهروندی و همچنین در حفاظت از حقوق و منافع همگانی حتی منافع متعاملین کلیه معاملات در جامعه

(Jobard- Bachellier & Bremond. 2014. P. 134) همچون محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی و بهداشت عمومی از طریق اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را با شرایطی پذیرفته است و جایگاه آنان را از یک اعلام کننده صرف به یک دنبال کننده فعال تبدیل نموده بود. هرچند پس از اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ حق سمن‌ها در اقامه دلیل و اعتراض به آرای قضایی که در لایحه قانون بدان اشاره شده بود، از متن ماده حذف شد. توسعه مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری مستلزم فراهم بودن زمینه‌های فعالیت، نظارت و ارزیابی فعالیت‌ها جهت رفع موانع و معایب ناشی از مداخله آنان در فرآیند کیفری است و تاثیر در این زمینه جز در پرتو فعالیت پلیس به عنوان نهادی تعامل‌گرا و مشارکت محور در برقراری امنیت اجتماعی حوزه حقوق ثبتی و تثبیت مالکیت (آدابی، ۱۳۸۸، ص ۱۹) مالکان در ارتباط کامل با بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌های مختلف و پردازش این اطلاعات موجود و جاری ادارات مختلف یا گزارشات متعدد سمن‌ها با مرکزیتی واحد محقق نخواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

رویکرد عمومی برای اخذ اسناد مالکیت، تثبیت مالکیت، تفکیک، تقسیم، افراز املاک مشاع، رفع اشتباهات ثبتی، نه تنها زمینه‌ی بیشتر مشاوره حقوق ثبتی را در جامعه فراهم نموده است، بلکه فقدان نظارت انتظامی از سوی پلیس بدون کمترین محدودیت



اطلاعاتی نسبت به عملکرد احتمالی مجرمانه سازمان‌های مرتبط با موضوع مقاله و سایر خاطیان و سودجویان در حوزه املاک کاملاً محسوس بوده، خواه آنکه، وجود این نظارت انتظامی نظر به متخصص بودن کاراگاهان و کارشناسان پلیس با مسایل ثبتی، آشنایی آنان با شیوه‌های نوین مجرمانه در پیشگیری و کشف زود به هنگام جرایم در حال تکوین، بیشتر مؤثر خواهد بود و از طرف دیگر مقام انتظامی به عنوان امین و معتمد عموم افراد جامعه بر خلاف مقام قضایی که دسترسی به آن حداقل نیازمند طی مراحل متعدد خاص با صرف زمان و طرح گزینه لازم در دفاتر خدمات قضایی در مقام تظلم خواهی است، مانع از تاثیر به هنگام اقدامات معاونت حقوق عامه با وجود فزونی پرونده‌های قضایی گردیده است. این در حالی است که پلیس به عنوان ضابط قضایی از این خصلت‌ها و موانع فوق برخوردار نمی‌باشد. و به طور سنتی عموم افراد جامعه و سازمان‌های مردم نهاد مداخله‌گر با در نظر گرفتن اعتمادی که در طول زمان ناشی از عملکرد تعاملی و مشارکتی پلیس، معمول گردیده در صورت وجود هرگونه ناهنجاری در معاملات و مرادوات به کلانتری و پاسگاه‌های انتظامی مراجعه نموده و اطلاعات لازم و ضروری را که بعضاً منعکس کننده عوامل مختلف تکوین کننده جرایم در حال وقوع می‌باشد را در اختیار پلیس قرار می‌دهند که البته عملکرد و گزارشات سمن‌ها نیز می‌تواند مزید بر موضوع و بیشتر موید فایده نزد پلیس واقع گردد. با این توضیح که هرچند قانونگذار در جعل و تنقیح سیاست کیفری مشارکتی سعی در تقویت مشارکت سازمان‌های مردم نهاد مداخله‌گر به عنوان نماد حاکمیت و مشارکت مدنی افراد جامعه با قوای حاکم خصوصاً مقام قضایی نموده است و ذکر این مهم در قوانین شکلی کیفری نیز به این معنا خواهد بود. اما قداست، حرمت و جایگاه مقام قضایی به عنوان فاعل مایشاء مانع از ارتباط کامل فعالیت‌های سمن‌ها موضوع قوانین کیفری با مقام قضایی می‌گردد، خواه آنکه جایگاه خطیر و حساس مقام قضایی، کلیه سمن‌ها را بر آن می‌دارد که در تنظیم گزارشات خود حساسیتی خاص و دقتی مضاعف و البته مستند به دلایل موجود به نحو مکفی ارائه دهند که این موضوع علی‌رغم مقبولیت و مطلوبیت آن در کشف جرایم، عملاً موجب اطاله زمانی و فراهم نمودن زمان کافی جهت تکمیل یا امحاء آثار جرایم تکوین یافته توسط مجرمین می‌گردد. با این حال نظر به فعالیت مشارکتی و تعاملی پلیس و قابلیت دسترسی در هر زمان و مکان نسبت به مقام قضایی اصولاً و

عموماً مشارکت سازمان‌های مردم نهاد مداخله‌گر و عامه مردم در ایجاد ارتباط و ارائه هر نوع گزارش مبنی بر تحقق یا احتمال تحقق جرم بیشتر و مؤثرتر بوده و قرار گرفتن پلیس در مرکزیت بانک اطلاعات سازمان‌های مورد اشاره در مقاله حاضر با استفاده از تکنولوژی نوین ارتباطی موجب پایش سریع گزارشات واصله و تقویم و تفکیک این اخبار و گزارشات با وجود بخش‌های مختلف تجسس و پیشگیری در کلیه کلانتری‌ها و موقعیت تخصصی‌تر در پلیس آگاهی و اطلاعات نیروی انتظامی در نتیجه پیشگیری و جلوگیری از وقوع جرایم در حال تکوین و برقراری و افزایش ضریب و اعتماد عامه افراد جامعه و امنیت اجتماعی خواهد بود.

نگارنده سعی در انعکاس و اثبات غفلت قانونگذار در تدوین یک سیاست جنایی مشارکتی ثابت و منسجم با وجود جعل کلیه ساز و کارهای اجتماعی سازمان یافته توسط قانونگذار اما بی‌توجه به فقدان یک مرکزیت نظارتی و منسجم و کار آمد و البته مورد اعتماد جهت پایش و تقویم کلیه اطلاعات مورد مبادله با در نظر گرفتن وظایف و توانایی ذاتی پلیس به عنوان نهاد مشارکتی و تعاملی در عین حال اقتدار گرا در ارتباط با مسائل ثبتی دارد. در جامعه‌ی ما در زمان انعقاد یکی از عقود ناقله، منتقل الیه مالکیت املاک غیر منقول قبل از مراجعه به یکی از دفاتر رسمی اسناد و املاک سازمان ثبت در اتخاذ تصمیم صحیح و حفظ منافع و مصالح خود به علت عدم ارتباط و هم پوشانی لازم که ناشی از فقدان سیاست جنایی مشارکتی منسجم و سیستمی قانونگذار در حوزه ثبتی می‌باشد، نمی‌تواند در سازمان ثبت اسناد و املاک که به نوعی بانک اطلاعات مالکیت جامعه محسوب می‌شود از کمیت و کیفیت موضوع مالکیت، بدون مساعدت طرف متعامل مطلع شود. زیرا ورود در این مبحث نیازمند احراز سمت به عنوان مالک است و مراجعه به شورای حل اختلاف به منظور تامین دلیل با جلب نظر کارشناس نیز یقیناً بی‌اثر بوده، چرا که این اقدام براساس آیین نامه‌های داخلی شورای حل اختلاف تحصیل دلیل محسوب خواهد شد و همچنین اخذ استعلام موقعیت ملک در بافت فرسوده و یا تعریض و طرح عمومی در حاکمیت شهرداری محل وقوع ملک غیرمنقول و کیفیت احداث، ژئوپولوتیک و توپوگرافی در صلاحیت سازمان نظام مهندسی است و وجود یا عدم وجود بنا و اذن در احداث آن به لحاظ موضوعیت آثار باستانی در اختیارات سازمان میراث فرهنگی و در تعیین و تغییر کاربری نه تنها سازمان راه مسکن و شهرسازی،

سازمان جهاد کشاورزی، سازمان منابع طبیعی در آن مداخله دارند، بلکه سایر ادارات و دوائر دولتی متعدد نیز ذی‌نفع و ذی‌ربط محسوب می‌گردند که اگر به این موارد، مشاوران و صنف‌های مربوطه بر فرض عدم وجود حقوق تبعی مالکانه دیگر مانند حق سرقفلی و کسب و پیشه اضافه گردد، متوجه عدم ارتباط و پاسخ‌گویی هر یک از نهادهای فوق‌الذکر نسبت به اشخاص ثالث که در شرف قبول مالکیت املاک هستند، خواهیم شد. این امر موجب شده اشخاصی که قصد انعقاد عقود ناقله را دارند ولی هنوز مالکیت به آنان منتقل نگردیده و مالک نشده‌اند، فاقد امکان دسترسی به اطلاعات مکفی و صحیح در ارتباط با موضع معامله باشند که این فقدان اطلاعات عملاً امکان و موقعیت سوء استفاده‌ی مجرمین و یا متهمین نسبت به افرادی که به عنوان منتقل‌الیه ثانی مالکیت املاک غیر منقول در معرض بزه‌دیدگی قرار گرفته‌اند را فراهم و مضاعف می‌نماید که در تدقیق موارد معنونه اعمال سیستم کاداستر با بروکرسی خاص خود نیز به نظر نگارنده به نقل از منابع مقاله فعلی بی‌اثر و ناکارآمد خواهد بود. همچنین در تاثیر سیاست جنایی مشارکتی پلیس در ارتباط با نظارت و کنترل مراکز و کانون‌های احتمالی جرم‌خیز می‌توان به آموزش و کنترل این کانون‌ها از بعد نظارتی توجه نمود. خواه آنکه؛ آموزش مردم یا سمن‌ها و اطلاع‌رسانی به آنها و حضور و نظارت آنها در عملیات ثبت ملک و حقوق ارتفاعی و ثبت اسناد و علایم تجاری و اختراعات و طرح‌های صنعتی و تاسیس و تغییرات شرکتهای، ولو به عنوان یک شاهد، معتمد، مترجم یا شریک ملک یا همجوار و معترض و ... بدون فراهم آمدن امکان نظارت و پایش اطلاعاتی پلیس یقیناً تاثیر مکفی در کنترل جرایم ثبتی را به نحو مطلوب نخواهد داشت.

خواه آنکه تحقق کلیه جرایم در حوزه جرایم موضوع این مقاله صرفاً ناشی از فقدان اطلاعات افراد جامعه و مشاوران املاک به عنوان کانون احتمالی بحران در جامعه ناشی از تخلفات خصوصاً تخلفات ثبتی ارتكابی از سوی سردفتران (آدابی، ۱۳۸۹) و تبانی احتمالی مسئولین مشاوران املاک با معامل یا متعاملین صورت نمی‌پذیرد، بلکه ممکن ناشی از تسلط و تعمق و زیاده‌خواهی مالی مسئولین مشاور املاک نشأت گرفته باشد که با نگرش یک قولنامه و مبیعه‌نامه به صورت مزدورانه موجب تشکیل چندین پرونده‌ی قضایی و اشتقاق و تکثر پرونده‌ها قضایی و سردرگمی مالباختگان و فزونی کار محاکم قضایی برای سال‌ها باشد، که این موضع نظارت پلیس به عنوان مقامی محقق و آگاه و

آشنا به شیوه‌های مختلف ارتکاب جرم را می‌طلبند، خواه آنکه نظارت سازمان اسناد و املاک بر فعالیت عملکرد مشاوران املاک به عنوان کانون‌های بلقوه بحران قضایی، از طریق الزام مشاوران املاک به تنظیم قراردادهای جاری در قراردادهای متحد الشكل و از پیش تعریف شده، صرفاً از باب تخصص سازمانی، اداره مذکور می‌باشد نه از باب اقدامات نظارتی و عملیاتی پلیس به عنوان سازمانی متخصص در کشف جرم و شناسایی مجرمین، پلیس با استفاده از سیستم اتوماسیون اداری و چابکی در دولت الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی (صادقی، ۱۳۹۳، ص ۷۳) وهم سو کردن فناوری‌های اطلاعاتی اقدام به پایش اطلاعات با روشی قابل دسترس تر، کارآمدتر به مقام قضایی در نتیجه بالا رفتن امنیت در جامعه می‌گردد.

روش پژوهش

روش تحقیق مقاله حاضر، روش مطالعه کتابخانه‌ای و توصیفی بوده و محقق در تدوین این مقاله بدو با مراجعه به کتابخانه‌ها و مطالعه کتاب‌ها و رساله‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع مقاله، سعی در فیش‌نویسی و جمع‌آوری فیش‌های تقریر یافته نموده است، سپس به خارج‌نویسی هر یک از مطالب مندرج در فیش‌هایی که قبلاً از منابع معتبر علمی و بعضاً بروز، براساس پلان مقاله پرداخته است و در این خارج‌نویسی تلاش شده که ارتباط منطقی و عقلانی فی مابین مباحث مختلف، نظر به گستردگی موضوع و پیچیدگی علمی مطالب جمع‌آوری شده برقرار گردد. و در برقراری این انسجام، سعی در ارائه ی راهکارهای علمی و عملی منطبق با فن‌آوری‌های جدید ملهم از مطالب روز سیاست جنایی مشارکتی پلیس گردیده و در نهایت محقق با استفاده از آمارهای رسمی سازمان‌های مختلف خصوصاً سازمان زندانهای کشور تلاش نموده درک درستی از مطالب را به مخاطب ارائه دهد.

یافته‌های پژوهش

مفهوم سیاست جنایی مشارکتی

سیاست به معنی عملی ساختن یک استراتژی به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری یا کژروی می‌باشد (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۳۹). سیاست جنایی می‌تواند در چارچوب حقوق

کیفری تصور گردد و جنبه‌های نظری و علمی نظام کیفری به معنایی سیاست کیفری تلقی می‌گردد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۴). به این معنا سیاست جنایی عبارت است از کلیه تدابیر اتخاذ شده از سوی قانون‌گذار، قوای مجریه، قضائیه و بهره از تخصص و محصول علوم مختلف و شرکت دادن مردم در دادرسی‌ها به منظور پیشگیری از وقوع جرم و انحراف و اصلاح مجرمین و منحرفین (زارعی، ۱۳۸۷، ص ۹۴). در تعریف فوئرباخ سیاست جنایی به شیوه‌های سرکوبگر، اعمال شونده از سوی دولت علیه جرم محدود شده است که در مقایسه با تحولات مفهوم سیاست جنایی می‌توان آن را مفهوم مضیق سیاست جنایی و یا سیاست کیفری^۱ نامید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۱ و ۱۰). و در دیدگاه دیگر که تفسیری موسع از مفهوم سیاست جنایی دارد، در این مفهوم سیاست جنایی به هر نوع تدبیر واضعان آن در پیشگیری و کنترل بزه و کجروی در معنای خاص خود اطلاق می‌گردد که در این مقاله مفهوم موسع آن مورد نظر می‌باشد.

انواع سیاست جنایی مشارکتی

در سیاست جنایی نهادهای گوناگون از جمله رسانه‌های گروهی در آگاه‌سازی مردم و در نتیجه شرکت دادن آنها در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش‌نویس قانونی تا تصویب آن نقش مهمی بر عهده دارند (ابرند آبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۲). در این رابطه باید خاطر نشان کرد که جلب افکار عمومی در افزایش کارایی این نهادها و کاهش هزینه‌های انسانی، مادی کشف، پیگرد جرایم از یکسو و از سوی دیگر مشارکت مردم در حل و فصل مبتنی بر صلح و سازش و میانجی‌گری (طباطبایی، ۱۳۵۷، ص ۱۱۰) و حتی تلطیف نمودن مجازات‌ها اهمیت فراوانی دارد و بدین‌سان، مشارکت و همکاری مردم در سطح سیاست جنایی اجرایی از جایگاه قابل توجهی در کنترل و مبارزه با بزهکاری برخوردار است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸۲). نتیجه آنکه در کنار نظام کیفری، عدم استفاده از بالقوگی سایر اجزای جامعه دولتی و رسمی نه تنها در مبارزه کیفری با جرم، بلکه در پیشگیری از جرم، که جزو رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است، کارایی نظام کیفری را محدود و در نهایت به کنترل ناکارآمد بزهکاری و بزهکاران منجر می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۸). افزون بر اینها از آنجا که یکی از

^۱. penalpolicy

ویژگی‌های برجسته‌ی نظام کیفری که در پرتو اصول مدرن و مکاتب نوین حقوق کیفری در دهه‌های اخیر تحول یافته‌اند، مشارکت جامعه مدنی و اجزای آن در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم مؤثر بوده است (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۳). بدین ترتیب می‌توان گفت که سیاست جنایی ذاتاً دولتی، به سوی سیاست جنایی مشارکتی، که جلوه‌ای از حضور و مداخله‌ی مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داوری، اجرای احکام و نیز پیشگیری از بزهکاری، حرکت می‌کند. به دیگر سخن دولتها نمی‌توانند نقش مؤثر مردم، سازمان‌های مردم نهاد^۱ را در اشکال گوناگون کنترل جرم نادیده بگیرند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

پیشینه تاریخی سیاست جنایی مشارکتی

رویکرد مشارکتی را می‌توان در ابتدا و قبل از انقلاب در خانه‌های اصناف، شوراهای داوری و پس از انقلاب اسلامی در برنامه‌ی ستاد مبارزه با مواد مخدر به منظور پیشگیری از اعتیاد، جستجو نمود با این همه بحث تدوین برنامه‌ی ملی پیشگیری از جرم جامعه‌مدار، مشارکت مردم در فرآیندهای کیفری، راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف، میانجی‌گری کیفری در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی با استقرار این شوراها در مقر پلیس، اقدامات مشارکت جویانه پلیس با تاسیس نهادهایی چون پلیس محله، دفتر نظارت همگانی، ایجاد مراکز فوریت‌های پلیس و همچنین فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد در حمایت از گروه‌های آسیب پذیر مشاهده کرد. در ادبیات فارسی نیز که آینه‌ی تمام نمای فرهنگ و هویت کشور ما است در بردارنده‌ی جلوه‌هایی از سیاست جنایی مشارکتی و یکی از عوامل تداوم تاریخی و فرهنگی اندیشه‌های میانجی‌گری و سازش در ایران بوده است (طباطبایی، ۱۳۵۷، ص ۱۱۰). مسلماً در تاریخ ایران پیران فرخ نهادی که همان ریش سپیدان کوی و برزن این مرزو بوم بوده‌اند را بسیار می‌توان، چندان که مولانا در دفتر دوم مثنوی، میانجی آگاه را چون زبانی واحد میان خصم و عامل اتحاد آنان می‌داند و از او به عنوان رسول حق یاد می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

۱. NGOs



مراحل شکل‌گیری سیاست جنایی مشارکتی در ایران معاصر مشارکت مردم در حل و فصل امور در ایران پس از انقلاب مشروطه و تدوین قانون اساسی مشروطیت، بسترهایی برای مشارکت مردم در حل و فصل اختلاف‌ها پدیدار شد. انقلاب مشروطه نیز در واقع گذار از حکومت استبدادی به حکومت مبتنی بر قانون و مردم سالاری بود و خود در عمل زمینه را برای مشارکت مردم در سیاست گذاری جنایی در قضاء و صدور حکم و در اجرا فراهم نمود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واژه‌ی مشارکت چندبار به کار رفته است، از این تعداد چهار مورد در مقدمه، و دو مورد در متن قانون اساسی در بند ۸ اصل سوم مشارکت عامه و در اصل ۲۹ به ارائه خدمات ... تصریح گردیده است.

گذار از پاسخ‌های سرکوب‌گر صرف به پاسخ‌های جامعه‌محور شیوه‌های سرکوب‌گر یا پاسخ‌ها کیفری محض، همواره مهمترین پاسخ‌ها به جرم محسوب می‌شده‌اند. اقدامات توسعه محور در قالب کنش یا واکنش به منظور ارتقاء محیط پیرامون و جلوگیری از تشدید تعارض‌ها، پاسخ‌های اداری، انضباطی، انتظامی و یا پاسخ‌های مربوط به نظام حقوق مدنی، نیز بهره گرفته می‌شود. بدیهی است که عدالت‌های غیر رسمی، پاسخ‌های اداری و انضباطی و سرانجام عدالت ترمیمی رهیافت‌های غالب آن چون دعوت به سازش و میانجی‌گری کیفری از جمله‌ی این شیوه‌ها خواهد بود به دیگر سخن تنوع بخشی به پاسخ‌ها و واکنش‌های جامع در قالب راهبردهای توسعه محور، خود محصول چنین تدبیر و راهبردی است. چندان که امروز بسیاری از متخصصان از «عدالت مشارکتی»^۱، «سازمان‌های جامعوی»^۲ و نهادهای همسو، سخن به میان می‌آورند. در واقع نهادهای مدنی و مراجع قضایی و پلیس سعی می‌کنند در قالب ابتکارهای گروهی و محلی و نیز در چارچوب ساز و کار قضاء‌زدایی، اختلافات کیفری سبک را بدون توسل به فرآیند قضایی، حل و فصل کنند» (فروزش، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

^۱. Participatory Justice

^۲. Community Organizations



نتیجه گیری

اعمال سیاست جنایی مشارکتی پلیس در کنترل جرایم ثبتی، نیازمند تعامل همگرایی و همکاری کلیه سازمان‌ها، نهادها و ادارات مختلف با امکان تبادل اطلاعات منسجم و مرکزیت واحد به منظور تمرکز در سازمان پلیس می‌باشد. کارکردهای متفاوت این سازمان‌ها نقش بسزایی نه تنها در کنترل جرایم، بلکه در تحقق فرهنگ جرم‌گریزی در جامعه دارند؛ مشارکت در پیشگیری و کنترل جرایم هر چند به عنوان مهمترین وظیفه پلیس است، اما نیازمند تغییر کارکرد سنتی آن، از نهاد سرکوبگر قانون‌مدار صرف به پلیس جامعه‌محور به جامعه تحلیل‌گر و متعامل با سازمانهای مردم‌نهاد دارد. بلکه با بهره‌گیری از بانک‌های اطلاعاتی اعم از کدهای کاداستر جهت تعریف و جانمایی املاک و کدملی به منظور تشخیص هویت اشخاص و به کارگیری فن‌آوری‌های الکترونیکی نوین و پست الکترونیکی (صادقی، ۱۳۹۳) و آموزش همگانی خصوصاً متصدیان دفاتر اسناد رسمی و بنگاه‌های مشاور املاک و غیره، بهتر می‌توان به این مهم دست یافت. آنچه که شالوده موضوع این رساله را تشکیل می‌دهد؛ تمرکز بر نوع، کیفیت، و کمیت جرائم ثبتی و تحلیل این جرائم بمنظور کنترل آن با استعانت از سیاست جنایی از نوع مشارکتی می‌باشد. ضرورت استعانت از کارکرد مشارکتی سیاست جنایی به دلیل وجود چالش‌های پیش رو در کنترل جرایم ثبتی و آن هم عدم آگاهی کافی و به موقع اشخاص ذی‌نفع و بزه‌دیدگان احتمالی در آینده نسبت به این گونه جرایم می‌باشد. لذا، آنچه که موجبات توسعه سیاست جنایی مشارکتی در این رساله که منظور محقق می‌باشد، مشارکت عموم در کنترل جرایم ثبتی در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در فرآیند رسیدگی کیفری بوده که مستلزم فراهم بودن زمینه‌های فعالیت، نظارت و ارزیابی عملکردهای این سمن‌ها در جهت رفع موانع و معایب ناشی از مداخله آنان در فرآیند رسیدگی کیفری می‌باشد. به نظر می‌رسد پیش‌بینی مشارکت سازمان‌ها مردم‌نهاد در فرآیند کیفری به عنوان یک تعقیب‌کننده فعال و نه یک اعلام‌کننده جرم، ولو به عنوان شاهد، معتمد، مترجم یا شریک ملک یا همجوار و معترض و ...، گامی مثبت و جدید برای کشف جرم و امکان بررسی جرایم ارتكابی و از بین بردن بسترهای ارتكاب و یاری رساندن به بزه‌دیدگان احتمالی جرایم ثبتی را فراهم آورد. و این امر

موجب بالا رفتن ضریب اعتماد مردم به دستگاه قضا و کارکرد سایر سازمان‌های مرتبط و ایمنی بیشتر افراد جامعه و کسانی که به واسطه تکرر معاملات ملکی بیش از دیگران در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند، خواهد شد.

پیشنهادها:

از مجموع مباحث مطرح شده در مقاله حاضر می‌توان چنین پیشنهاد نمود:

۱- در جامعه‌ی ما دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های گوناگونی با کارکردهای متفاوت نقشی بسزای در کنترل و پیشگیری از جرایم، خصوصاً جرایم ثبتی دارند، خواه آنکه تمرکز بر پیشگیری، برای سایر نهادها و پلیس بسیار مفید خواهد بود. موضوع مهم این است که انتظار پیشگیری از وقوع جرایم فقط و فقط از واحدهای پلیس امری منطقی و عقلانی نیست، زیرا ما با تنوعی جرایمی روبه‌رو هستیم که هر یک از آنها علل و عوامل و پیچیدگی خاصی دارند. بنابراین در امر پیشگیری، همه‌ی اعضای جامعه و کلیه‌ی نهادهای مسئول در جامعه باید با هم مشارکت و همکاری داشته باشند و با اتحاد با یکدیگر به این مهم جامعه‌ی عمل بپوشانند. هر چند پیشگیری از وقوع جرم از جمله وظایف مهم پلیس است و پلیس به عنوان یکی از نهادهای رسمی کشور با توجه به دانش، دسترسی به آمار و تجارب چندین ساله خود می‌تواند در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی مبتنی بر تعامل منطقی و چندسویه با سازمان‌ها و نهادهای مختلف از طریق دسترسی کامل به اطلاعات فعال سیستمی و پایش گزارشات و اخبار اولیه سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در ارتباط با کارکردهای موجود از افزایش جرم جلوگیری کرده و نظم و انضباط و امنیت جامعه را افزایش می‌دهد. لیکن برای تحقق اهداف وظایف پلیس به عنوان نهاد تعامل‌گرا و پیشگیری‌کننده و مشارکت‌محور، نیازمند تمهید مقدمات مرکزیت محور و فراهم نمودن امکانات لازم و تغییر کارکرد پلیس بعنوان نهاد عدالت کیفر سرکوبگر به پلیس تعامل‌گرا و مشارکت‌محور در پیشگیری از جرایم موضوع این مقاله می‌باشد.

۲- توسعه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری مستلزم فراهم بودن زمینه‌های فعالیت، نظارت و ارزیابی جهت رفع موانع و معایب ناشی از مداخله آنان در

فرآیند کیفری و همچنین تعامل با پلیس می‌باشد. بنابراین هرچند تدابیر پیش‌بینی شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، گام مهمی در زمینه جلب مشارکت عمومی در فرآیند کیفری و به ویژه، تعقیب دعوای عمومی بوده و تا تدوین و استقرار نظامی جامع درباره مشارکت این سازمان‌ها مسیری طولانی در پیش است. اما اصلاح قوانین حاکم بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و رفع ابهامات و موانع موجود در مسیر مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری ضروری به نظر می‌رسد. اجرای آیین دادرسی کیفری فعلی در عمل می‌تواند کاستی‌های آن را به همراه آورد. خواه آنکه محدود نمودن مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد به اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی بدون پیش‌بینی حق ارائه دلیل و اعتراض به آراء محاکم قضایی خصوصاً در جرایم ثبتی انگیزه مداخله آنان را به حداقل می‌رساند؛ زیرا که هدف از وضع ماده مذکور حمایت است و حمایت با صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی محقق نمی‌گردد؛ کما اینکه اصل برعلنی بودن جلسات رسیدگی است و از این بابت در بسیاری از موارد، ممنوعیتی جهت شرکت اشخاص در جلسات رسیدگی نیست. بنا به مراتب فوق، به نظر می‌رسد پیش‌بینی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری به عنوان یک دنبال‌کننده فعال و نه یک اعلام‌کننده جرم، گامی مثبت و جدید برای کشف جرم و امکان بررسی جرایم ارتكابی، از یک سو، علیه اشخاصی است که به نحوی به کمک دیگران نیاز دارند و از سوی دیگر، جرایمی است که به نحوی حقوق عمومی را مورد تضییع قرار می‌دهند و به این ترتیب، از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد که چندین سال است برای دستیابی به اهداف خود اهتمام می‌ورزند، به صورت جدی‌تری حمایت خواهد کرد.

۳- جهت جلوگیری از وقوع بزه جعل اسناد رسمی (یعنی هر جسمی که روی آن نوشته نقش بندد (حسینی نژاد؛ ۱۳۷۴، به نقل از رجبی، ۱۳۹۹) در قانون ثبت، سر دفتر به هنگام احراز هویت معامله‌کننده از او بخواهد، هویت خود را با ارائه گواهی مهر شده از طرف مراجع دولتی رسمی یا منابع قابل اعتماد دیگر معرفی کند و اصل اسناد تنظیم شده توسط سردفتر و مدارک ضمیمه به آن توسط سر دفتر نگهداری شود، چنانچه اعتراضی رخ دهد اصل سند که نزد سر دفتر است رؤیت شود و تنها روگرفت برابر اصل تحویل متعاملین گردد و مندرجات هر سندی به طور کامل و دقیق با ذکر ساعت و

تاریخ و حتی تصاویر متعاملین به صورت الکترونیکی، نگهداری و قابل دسترس در اختیار سر دفتر و پلیس قرار گیرد. البته این مهم نیز می‌بایست در دفاتر ثبت الکترونیکی (نوری، ۱۳۹۰) به کار گرفته شود.

۴- سر دفتر از وکالتنامه‌هایی که برای صدور اسناد قطعی و تعهد آور خصوصاً وکالتنامه‌هایی که عرفاً بار مالی زیادی برخوردار هستند چه در احراز اصالت اصل وکالتنامه و چه در احراز هویت اشخاص ذیربط با استعلام از دفاتر اسناد رسمی مربوطه اطمینان حاصل نمایند و با توجه به قابلیت دسترس بودن مخازن اسناد و اوراق بهادار ثبتی در محل چاپ، در نمایندگی‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی، ادارات کل ثبت اسناد و املاک، واحدهای ثبتی، دفاتر اسناد رسمی و امکان جعل در تولید و تکثیر آن، اوراق بهادار حذف و تمبر از گردش امور کنار رود. به این منظور که بیشتر از ارسال الکترونیک استفاده شود و سیر چاپ و تکثیر در این ادارات از بین برود.

۵- اصلاح قوانین و مقررات ثبتی و قانون دفاتر اسناد رسمی و روش‌های تنظیم اسناد رسمی و شفاف‌سازی و بهبود روش‌ها از طریق بازنگری در مقررات مذکور که با مسائل جاری روز هم‌خوانی و مطابقت داشته باشد از یک طرف، تعیین حدود و شرح وظایف و مسئولیت‌ها در انجام هر یک از فعالیت‌های ثبتی برای متصدیان و مسئولین مربوطه از طرف دیگر مانند بند پنجم از ماده ۱۰۰ قانون ثبت بدین گونه اصلاح شود: «تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت یا پرونده ثبتی را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر یا پرونده را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد» و همچنین عضویت در اتحادیه جهانی سردفتران جهت هماهنگی بیشتر با قوانین و مقررات بین‌المللی (شهری، ۱۳۹۰).

۶- باتوجه به فنی بودن عمل افراز املاک مشاع در دادگاه‌ها پیشنهاد می‌گردد که؛ اعمال افراز این املاک در ادارات ثبت اسناد و املاک صورت گیرد، بدین ترتیب از حجم پرونده‌های مطروحه در محاکم قضایی کم می‌شود و این اقدامات با هزینه کمتر و دقت بیشتر انجام خواهد گرفت. خصوصاً آنکه پس از صدور اجرائیه از محاکم قضایی مجدد در ارجاع موضوع به اداره ثبت به منظور اعمال دستورات مقام قضایی، این اداره مجدد موضوع را به کارشناسان ثبتی محول می‌نماید. حال آنکه این رویه اداری نه تنها موجب اطاله‌ی زمانی می‌گردد بلکه موجبات صرف هزینه‌های فراوان خواهد شد.

فهرست منابع

- آدابی، حمید رضا، ۱۳۸۸، حقوق ثبت تخصص، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ص ۱۹
- ۲- تفکرینان، محمود، ۱۳۸۶، حقوق ثبت املاک، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه ص، ۱۳
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، حقوق ثبت، چاپ دوم، جلد اول، تهران، انتشارات گنج دانش
- ۴- جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۰، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ میزان، ص ۳۶
- ۵- درویش نیا، محمد، ۱۳۸۰، مسئولیت کیفری و انتظامی ناشی از جرایم و تخلفات ثبت اسناد و املاک، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲
- ۶- زارعی، محمد، ۱۳۸۷، بررسی سیاست جنایی ایران در قبال تخلفات و جرائم ثبتی اسناد و املاک، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ص ۹۴
- ۷- شهری، غلامرضا، ۱۳۹۰، حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۸- طباطبایی، سیدجواد، ۱۳۵۷، خواجه نظام الملک، تهران، طرح نو، ص ۱۱۰
- ۹- فروزش، روح اله، ۱۳۸۶، عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، چاپ نخست، خرسندی ص ۳۳
- ۱۰- عباسی، مصطفی، ۱۳۸۲، میانجی‌گری در امور کیفری، دانشور
- ۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شماره ۹ و ۱۰ ص ۳ و بعد به نقل از نجفی ابرندآبادی، علی حسین مقاله سیاست جنایی همان، ص ۲۷۰
- ۱۲- لازرژ، کریستین، ۱۳۸۲، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، بهار
- ۱۳- معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۹۱، راهنمای حقوقی مشاوران املاک، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه
- ۱۴- معین، محمد، ۱۳۸۴، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات راه رشد
- ۱۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، دربارهی اصطلاح سیاست جنایی، پیش‌گفتار مترجم به ویراست دوم - لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، بهار، ص ۲۴
- ۱۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباچه درآمدی به سیاست جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص ۱۱ و ۱۰ و ۲۶۷
- ۱۷- زینالی، حمزه، ۱۳۸۲، نوآوری‌های قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فرا روی آن، فصلنامه‌ی رفاهی اجتماعی، شماره ۷، ص ۵۲ به بعد

- ۱۸- زینالی، حمزه، ۱۳۸۲، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاه‌ها در آن، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی شماره ۹، ص ۱۰۹
- ۱۹- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، مشارکت مردم در سیاست جنایی و نقش رسانه‌ها در افزایش این مشارکت، گزارش اجمالی نخستین کارگاه آموزشی بزهکاری و رسانه‌های گروهی، کمیته سیاست جنایی مشارکتی، کمیسیون تدوین سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری، شورای عالی توسعه‌ی قضایی
- ۲۰- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۷۷، بزه کاری احساس نا امنی و کنترل، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، بهار، ص ۴۳ و بعد
- ۲۱- محمدی، جلیل، ۱۳۸۳، سیر مالکیت در ایران و چگونگی ثبت اسناد و املاک، تهران
- ۲۲- حصاری، طباطبایی، ۱۳۹۵، عوامل محیطی و انسانی هزینه معاملات ملکی و راهکارهای کنترلی حقوق ثبت ایران.
- ۲۳- السان، مصطفی، جایگاه امضای دیجیتالی در ثبت اسناد به شیوه‌ی الکترونیکی، ماهنامه حقوقی کانون سر دفتران و دفتر یاران، سال ۴۷ شماره ۵۵ دوره دوم، ۱۳۸۴.
- ۲۴- صادقی، نشاط، ۱۳۹۳، حقوق تجارت الکترونیک، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول.
- ۲۵- آدابی، حمید رضا، مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۲۶- نوری، محمد علی و نخجوانی، رضا، حقوق تجارت الکترونیک، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۹۰
- ۲۷- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی(جرائم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و سوم، سال ۱۳۹۵.
- ۲۸- حسینی نژاد، حسینقلی، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۴.
- ۲۹- رجبی، محسن، ۱۳۹۹، (ثبت الکترونیکی اسناد رسمی و کاهش جرایم ثبتی، محل انتشار: پنجمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی.

- Jobard- Bachellier- M.-N & Bremond.(2014). Droit civil. Suretes. Publicite fonciere(17th ed.). Dalloz.